

فوران
26-3-2010

دلاوران رزمنده خلق



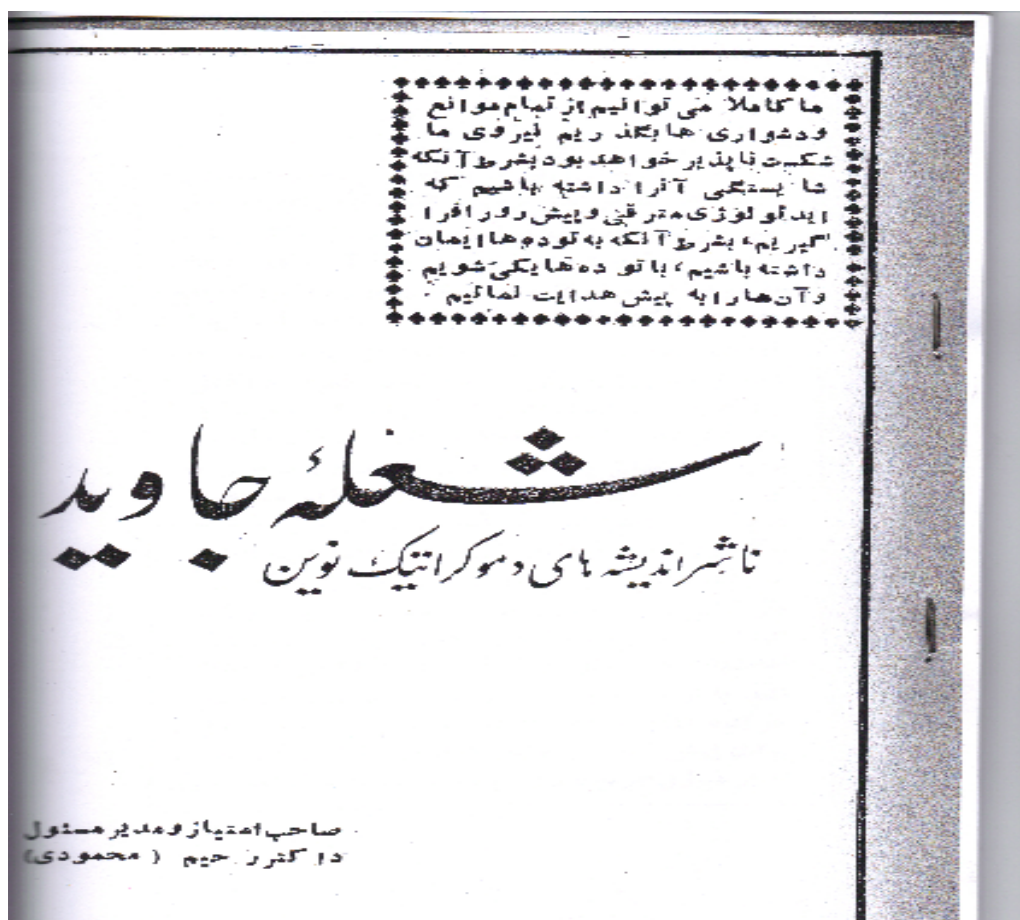
یادی از رفیق داکتر رحیم محمودی

رفیق دوکتور رحیم محمودی فرزند محمد اعظم 91 سال پیش از امروز در کوچه بارانه شهر کابل متولد گردید . بعد از سپری نمودن دوره تحصیلات متوسط و عالی و فراغت از

مکتب طبی مدت پانزده سال بحیث معاون داکتر در شعبات صحتی ولایات کندز، کنرها، لغمان و کابل ایفای وظیفه نمود در سال 1343 شامل فاکولته طب شد، بعد از فراغت و یک سال کار رسمی از طرف مقامات دولتی جبرا باز نشسته گردید.

رفیق رحیم محمودی از هنگام جوانی متأثر از افکار ورهنمائی های برادر بزرگش داکتر عبدالرحمن محمودی تا واپسین ایام زندگی اش فعالیت سیاسی داشت. مشارالیه در کنار برادر بزرگش و سایر همزمان وی علیه استبداد سلطنتی و انواع مظالم اجتماعی به مبارزه مشغول بود. اندک زمانی از کار و پیکار انقلابی اش نگذشته بود که سلطنت ظاهر شاه دموکراسی فلاپی و کذائی را اعلام نمود. رفیق رحیم محمودی در جریان سال های 1329-1332 که مصادف به دوره های 7 و 8 شورابود سه بار زندانی گردید بعد از پاره شدن نقاب دموکراسی قلابی وی با برادر بزرگش دوکتور عبدالرحمان محمودی و سایر همزمان شان به زندان دهمزنگ محبوس گردیدند. باآنکه بعد از دو سال حبس از زندان رها گردید، اما از آتش کینه ضد انقلابی هاشم جلاد در امان نماند و مدت سه سال تحت نظر بود و اجازه نداشت محوطه خانه اش را ترک گوید. از آنجائیکه موصوف از خانواده فقیر بود و مدرک دیگری برای امرارمعاش خود فامیلش نداشت. لذا با گلدوزی و خیاطی نیاز ابتدائی فامیل خویش را تأمین مینمود. با چنین اشتغالاتی مقاومت میورزید

ونقشه های شوم هاشم جلاد را که میخواست بادر مضيقه نگهداشتن اقتصادی وی را وادار به تسلیمی نماید، خنثی می نمود. هنگامیکه رژیم سلطنتی در سال 1343 تحت تأثیر اوضاع جهانی و فشارهای داخلی مجبور به اعلان دموکراسی قلابی گردید. رحیم محمودی این انقلابی شجاع و رزمنده با استفاده از این روزنه جهت بر ملا ساختن دموکراسی نام نهاد وقلابی وپخش اندیشه های انقلابی دموکراتیک نوین با تلاش و مشکلات زیاد موفق به بدست آوردن امتیاز جریده تابناک "شعله جاوید" گردید.



باپخش و انشار شعله جاوید در بین روشنفکران ، کارگران
واقشار زحمتکش مردم ، رژیم منفور سلطنتی دست پاچه
گردیده جریده شعله جاوید را توقیف و رفیق رحیم محمودی را
با یاران انقلابی اش به زندان انداخت و این با ر سه سال
راباز در زندان سپری نمود. در خلال سالهای که در زندان
بسر میبرد، گذشته از تماسهای که با پیروان و رهروان
جریان دموکراتیک نوین داشت به سرودن شعر و نوشتن
مقالات انتقادی نیز میپرداخت. بعد از کودتای ننگین و منحوس
7 ثور مانند سایر انقلابیون به مبارزات مخفی رو آورد و بعد
از آوارگی زیاد عازم کشور آلمان گردید. رفیق رحیم محمودی
بعد از ایجاد سازمان پیکار برای نجات افغانستان بحیث
عضو مرکزی آن سازمان مبارزات انقلابی اش را تا اخیر
عمر ادامه داد و لحظه ای قلبش از تپش مبارزه باز نا
یستاد. رفیق رحیم محمودی بحیث یک انقلابی پر شور و مبارز
تا اخیر عمرش به اندیشه های رهایی بخش دموکراتیک نوین
وفادار ماند. با تأسف و درد که قلب این راد مرد بزرگ در
نیمه شب 15/9/1989 از تپش باز ماند و به جاودانگی
پیوست.

در شرایط کنونی که کشور ما در چنگال خونبار امپریالیزم
امریکا و قوای ناتو قرار دارد و تمام وطن فروشان، تسلیم طلبان
و خائنین ملی در دولت دست نشانده کرزی تجمع نموده اند
و در کشتار ، بمباردمان و ویرانی قرأ و قصبات کشور رقص
و پایکوبی دارند و باصطلاح مردم " چپه چرخ " میزنند و مشق

فرومایگی، وطن فروشی و تسلیم طلبی مینمایند و در مزار
رزمندگان و شهدای انقلابی کشور به پاشنه های خونچکان
اشغالگران گل میریزند. دفاع از رزمندگان و شهدای انقلابی
و مبارز کشور و وظیفه تمام عناصر مبارز و تشکلات انقلابی و
مردمی میباشد تا نشان دهیم که تسلیمی چند عنصر فرومایه
و تسلیم طلب نمیتواند عظمت، بزرگی و گستر دگی جریان
دموکراتیک نوین افغانستان و رهروان جانباز آنرا خدشه دار
سازد. رهروان صادق، و وفاداران دیشه های رهائی بخش خلق
افغانستان با در دست گرفتن درفش سرخ شهدای انقلابی
و گلگون کفن کشور مبارزات شان راتا بیرون راندن
امپریالیستها از کشور و سرنگونی نظام مستعمراتی با قبول تمام
دشواریها و خطرات عاشقانه به پیش می برند.

در ذیل دو قطعه اشعار داکتر رحیم محمودی

آئین نوین

جنبشی ای تازه نسل نوجوان
شورشی ای مردمان باستان
گردشی ای محور چرخ زمان
لرزشی ای موج خلق بیکران
تابشی ای شعله های جاودان
تا بسوزی قصر و بام خائنان

پرتو افشانی نما چون آفتاب
پاره کن از چهره خائن نقاب
سرنگون کن باره افراسیاب
تند شو ای برقه‌های با شتاب
تابشی ای شعله‌های جاودان
تا بسوزی قصر وبام خائنان
آتشی از کوره‌های کارگر
غرش از بیل وداس برزگر
زیرورکن کاخ استعمارگر
محوکن بنیاد استعمار و شر
تابشی ای شعله‌های جاودان
تا بسوزی قصر وبام خائنان
کن علم از مجمر خود نور ما
شوسپاه ورهبر مزدورها
اخگر افکن بر سر مغرورها
سوز دست و فرق این سر زورها
تابشی ای شعله‌های جاودان
تابسوزی قصر وبام خائنان
طرح آئین نوین ایجاد کن
آتشی در خانه بیداد کن
این وطن را از محن آزاد کن
باز جست رسم نو ارشاد کن
تابشی ای شعله‌های جاودان

تا بسوزی قصر و با م خائنان

*

جنبش شعله ها

تو ای هم‌رزم و هم‌زنجیر و هم‌سنگر
بجنب و فکر کاری کن
که هم‌زمان تو محکوم می‌سازند فطرت را
بدر کردند گنج از قعر خاک و اوقیانوس ها
و بشکستند آن ذرات ریزی را، که عقل از درک آن در وادی
حیرت فرورفته
بریدند مرز اتموسفیر با تیر فلک پیمای، تند راکت و اقمار
و بشکستند طلسم عظمت دیرینه وینوس و مریخ و عطارد را
و آوردند پیک از پشت ماه و آن سوی کیهان
توتاکی خوابی و مسموم در بند خرافاتی
تو ای هم‌رزم و هم‌زنجیر خیز و فکر کاری کن
وتاکی اینقدر محروم و با فقر و مرض دست و گریبانی
نمیدانی که این ناراحتی ها از کجا گردیده دام‌نگیر
و نانت را کی دزدیده ؟
نجات تو بدست تست و کن عزمی به پیکاری
گناهت اینکه می‌گویی
افق تار است و شب تار است و نا هموار

امید پیشتازی نیست در این راه ظلمت بار
نگر هم‌زمان تو، شکستند این دژبیداد
وبگزیدند راه پیشتازی ورها بخشی
نمیدانی که حق گیرند، با ایمان و ایثار و فداکاری
مترس از این هیولائی، ستمکاران و دژخیمان
که نبود پایه اش سنگین و مستحکم
که دایم چون حباب و کف بلرز از موج خلق بیکران باشند
درین مرزی که زندان جهانش نام بگذاریم
که هستی مرگ تد ریجی است
که مشقت خائنین از حاصل رنج تو و مردم، بیاسازند
قصر و جایگاه عیش و لبخندی زنند بر عقل و طرز فکر
و کردارت
گناه توست چون تن داده ئی با سستی و ذلت
وقانع گشته با این شکل وضع نابسامانی
که این فعل تو جرأت داده دشمن را
که تا دست تعرض بر زند، بر ذهن و روح و وجدانت
پژوهش کن تا آن اصلی که این عزلت بیار آورده و ما را زبون
کرده
شنو حرفی ز ما و زود در فکر عمل برخیز
تا بنیاد بیداد و ستم را بشکنیم و خورده سازیم این طفیلی ها
وبگذاریم سنگ نو، به ایجاد جهانی
کآندر و نظم و مساوات و اصول و ارتقا دارد

در این نبشته از نشریه شعله جاویدسال 1347 و نشریه 23
ثور برج حوت 1368 اتحادیه محصلان استفاده شده است